

## آسیب‌شناسی سیاسی تداوم جنبش‌های دینی در قرآن

محمد جواد نوروزی\* مجتبی مهدوی مهر\*

### چکیده

جنبش‌های دینی که به رهبری اولیای الهی شکل گرفته و رابطه امام و امت را به وجود آورده، در تداوم راه خویش با موانع و آسیب‌هایی مواجه شده است که با اهداف و راهبردهای آن منافات داشته و موجبات خسران و زیان را پدید آورده است. کلام وحی به عنوان جامع‌ترین و متقن‌ترین سند راهبردی هدایت در آیات بسیار زیادی به تبیین تشریح آسیب‌ها عارض شده بر جنبش‌های دینی به رهبری پیامبران الهی پرداخته و تأکید کرده است که مسلمانان با شناخت دقیق آسیب‌ها نسبت به جلوگیری و تکرار دوباره آن تصمیمات معقول و مطلوب اتخاذ نمایند. اهمیت و ضرورت بحث بر آن شد که پژوهشگر با استفاده از روش استنتاجی، آسیب‌های سیاسی که در تداوم جنبش‌های دینی و در تعامل با رهبر، قانون، دشمن و همچنین تعامل با یکدیگر رخ می‌نماید را با عرضه به کلام وحی مورد بحث و بررسی قرار داده و اندیشه قرآن را در این باره کشف و استخراج نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین آسیب‌ها از منظر کلام وحی در حوزه تعامل مردم با رهبر، چون قداست شکنی، نافرمانی، نپذیرفتن جانشین و ... در تعامل با قانون، التقاط، بدعت، گریز از قانون و ... در تعامل با دشمن، عدم مرزبندی، عدم آمادگی، تسلیم و سازش و ... در تعامل با یکدیگر هم آسیب‌هایی چون بی‌تفاوتی (به امر به معروف)، بی‌توجهی به تعاون، بی‌بند و باری و ... است.

**واژگان کلیدی:** قرآن، آسیب‌شناسی سیاسی، تداوم جنبش دینی، روش استنتاج.

\*. دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه):

[mohamadjavadnoroz@yahoo.com](mailto:mohamadjavadnoroz@yahoo.com)

\*. دکتری قرآن و علوم، گرایش علوم سیاسی از جامعه المصطفی العالمیه: [mh36212@yahoo.com](mailto:mh36212@yahoo.com)

## مقدمه

از بهترین و ناب‌ترین جنبش‌های سیاسی که به دور از هر گونه خودخواهی و هوی پرستی (از جهت رهبران) صورت گرفته و به پیروزی رسیده، می‌توان به جنبش‌هایی به رهبری پیامبران الهی همچون حضرت موسی (ع)، حضرت محمد (ص) و ... اشاره نمود که باوجود برگزیده بودن، در ادامه جنبش خود با آسیب‌هایی مواجه شدند که مانع از تحقق اهداف آنان گردید. قرآن کریم به‌عنوان منبعی متقن در رابطه با پیامبران الهی، به برخی آسیب‌های عارض شده بر جنبش‌های دینی آنان اشاره نموده که در این نوشتار باید به صورت خاص، به عرضه آسیب‌های عملی در تعامل مردم با رهبری، قانون، دشمن و یکدیگر، به قرآن پرداخته و به قول شهید صدر، آن را به نطق (استنطاق) در آورده و در نهایت، برای تداوم پیروزی جنبش‌های سیاسی مورد تأیید الهی، به خصوص انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده و عبرت قرار داد. عارض شدن آسیب‌ها در استمرار جنبش‌های دینی، گاه در حوزه ایدئولوژی جنبش است که موجب تغییر در فکر و اندیشه انقلابیون می‌شود و گاه در حوزه ساختار و همچنین در حوزه عمل؛ که به دلیل پرهیز از طولانی شدن مباحث، تنها به آسیب‌های سیاسی تداوم جنبش‌های دینی در حوزه عمل پرداخته خواهد شد.

## مفهوم شناسی

### ۱. آسیب شناسی

منظور از آسیب شناسی در این نوشتار، شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که به وجود آمدن و ادامه حیات آن‌ها می‌تواند فرایند تحقق اهداف یک جنبش دینی را متوقف و یا به صورت محسوسی کند نماید.

### ۲. سیاست

ریشه واژه سیاست عربی است و در غرب از واژه یونانی POLIS به معنای شهر گرفته شده است و دلیل آن هم این است که یونانی‌ها سیاست را دانش مربوط به امور یک شهر می‌دانستند (عالم، ۱۳۸۹: ۲۳). سیاست در لغت به معنای حکومت، ریاست و داوری، مصلحت‌اندیشی و تدبیر امور، عقوبت و تنبیه و همچنین تربیت می‌باشد (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۵) و تعریف اصطلاحی آن، متناسب با ارزش‌ها و عقاید هر اندیشمند متفاوت می‌گردد. یکی از تقسیم‌بندی‌های تعریف سیاست، تقسیم‌بندی به دینی و غیر دینی است که در اندیشه غیردینی، سیاست را به علم مطالعه قدرت و دولت، به‌منظور دستیابی جامعه به امنیت و رفاه تعریف می‌کنند (نوروزی، ۱۳۸۰: ۱۶) و افرادی چون ماکیاول، نیچه، هارولد لاسول، چارلز مریام، ماکس وبر، برتراند راسل، مورگنتا و... معتقدند که قدرت مفهوم اساسی سیاست می‌باشد (عالم، ۱۳۸۹: ۲۸). در اندیشه دینی برای سیاست تعاریف متعددی ذکر شده و بیشتر آنان، از زاویه هدف و آرمان سیاست، به تعاریف ورود کرده‌اند. سیاست در اندیشه دینی، مقدس و از جنس هدایت است و سیاستمدارترین افراد جامعه، پیامبران و امامان محسوب می‌شوند؛ امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

«سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آن جایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۴۳۲). این در روایات ما برای نبی اکرم (ص) با لفظ سیاست ثابت شده است. همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود...؛ این سیاست مختص به انبیاء و اولیاء است» (همان: ۱۹۲).

با توجه به توضیحات داده شده به این نکته اشاره می‌کنیم که در سیاست دینی هم بحث قدرت وجود دارد اما باید خدا گونه و بر محور عدالت و حکمت باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۹۰).

سیاست در تعریف دینی، اعم از تشکیل حکومت و عدم تشکیل حکومت (توسط مردان الهی) است و با عنایت به تعاریف بعدی این مقاله، منحصر به بررسی مسائل حکومتی می‌گردد؛ پس آسیب‌شناسی سیاسی یعنی آسیب‌هایی که به تداوم جنبش‌های دینی، از لحاظ حکومتی (رابطه حاکم و محکوم) وارد می‌شود؛ یعنی به‌عنوان مثال به جنبش حضرت موسی از جهت رهبر سیاسی و نه به‌عنوان رهبر دینی چه آسیب‌هایی وارد شده است؟

### ۳. تداوم جنبش (نهضت) دینی

۱۰۷ در اصطلاح سیاسی برای جنبش تعاریف فراوانی صورت می‌پذیرد از جمله اینکه جنبش یعنی حرکت یا رفتار گروهی به نسبت منظم و با دوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد (آقا بخشی، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

جنبش‌ها را به زیر مجموعه‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌نمایند؛ به‌عنوان مثال آنتونی گیدنز جنبش را حداقل به دو دسته دینی و انقلابی تعریف کرده و در بیان جنبش انقلابی می‌گوید:

«تلاش می‌کند بنیان نظام موجود جامعه را به هم ریخته و نظام اجتماعی جدید را جایگزین سازد» (کوهن، ۱۳۹۸: ۴۲۱).

مراد از جنبش، نهضتی است که هدف دینی دارد؛ یعنی با رهبری مردان الهی و مبتنی بر قانون وحی آغاز شده و به دنبال تغییر وضع موجود و ایجاد وضع مطلوب می‌باشد بدین معنا که تلاش می‌کند وضع موجود حکومت را اصلاح کند و یا در آن تغییر بنیادین دهد.

مراد از تداوم هم این است که جنبش‌هایی که به رهبری پیامبران الهی شکل گرفته و در نهایت به نوعی پیروزی دست می‌یابد (رابطه امام و امت را شکل داده و پیامبر الهی، رهبری امت را به دست می‌گیرد و به اعمال قانون الهی می‌پردازد) در ادامه راه و تداوم راه خود با چه آسیب‌های عملی مواجه می‌شود.

#### ۴. روش استنطاق شهید صدر

حداقل دو نوع روش تفسیری وجود دارد که عبارت است از ترتیبی (که به ترتیب مصحف موجود (از سوره حمد تا سوره ناس) به صورت سوره به سوره و آیه به آیه مورد تفسیر قرار می‌گیرند) و روش موضوعی؛ در این روش، مفسر همه آیات مربوط به موضوعی اعتقادی، اجتماعی و ... را گردآورده و آن‌ها را به‌عنوان یک واحد و یک کل در نظر گرفته و حقایق و اشارات موجود در آن‌ها، درباره آن موضوع خاص را به دست می‌آورد (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۲۰). تفسیر موضوعی نیز به چند گونه تقسیم می‌شود

که یکی از آن‌ها تقسیم به استخراجی و استنتاجی است. در روش تفسیر موضوعی استنتاجی، مفسر نیازهای واقع در متن زندگی را بررسی کرده و سپس پاسخ آن‌ها را از قرآن جویا می‌شود (موضوع از بیرون و پاسخ از قرآن) و با این فکر که قرآن پاسخگوی نیازهای روز بشر است برای دریافت پاسخ آن، در آیات تأمل و جستجو می‌نماید (معرفت، ۱۳۷۳: ۲ / ۵۲۷) و در حقیقت جواب قرآن را درباره آن موضوع دریافت می‌دارد.

شهید صدر در بیان تعریف فوق و به استناد حدیث علی (ع) که فرمودند «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» (سید رضی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) معتقد است که باید حل مشکلات و مسائل را از قرآن طلب نمود. ایشان تعبیر استنطاق (به سخن در آوردن قرآن) را بهترین بیان در تأیید تفسیر موضوعی دانسته (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۳۰) و می‌فرماید: جمع‌آوری آیات مربوط به یک مسئله خارجی و جمع‌بندی و تفسیر آن‌ها روشی توحیدی بوده که در آن، میان تجربه بشری و قرآن (بدون تحمیل تجربه بشری بر قرآن) وحدت ایجاد شده و بین مدلولات تفصیلی آیات مربوط به یک مسئله، ساختار نظری واحدی برقرار می‌کند (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۲۰).

روش تحقیق در این نوشتار به صورت تفسیر موضوعی، آن هم به روش استنتاجی می‌باشد که محورهایی در موضوع اصلی بحث (آسیب‌های سیاسی تداوم جنبش‌های دینی) به قرآن کریم عرضه شده و نظر آن به همراه تفاسیر معتبر به دست می‌آید.

### انواع آسیب‌ها

مراد از آسیب‌های سیاسی تداوم جنبش‌های دینی در حوزه عمل، نوع تعامل و عمل مردم در قبال رهبر دینی، قانون الهی، دشمن و همچنین در تعامل با یکدیگر

می‌باشد که در استنطاق از قرآن کریم، با نمونه‌هایی از آسیب‌های زیر مجموعه آن‌ها نیز مواجهه صورت می‌پذیرد:

#### الف: آسیب‌های سیاسی در حوزه رهبر جامعه دینی

در مواجهه مردم با رهبر و در تداوم جنبش‌های دینی، به آسیب‌های متعددی در قرآن کریم برخورد می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از قداست شکنی، نافرمانی، نپذیرفتن جانشین رهبری و...

##### ۱. قداست شکنی از رهبر

رهبران دینی، بر دل‌ها حکومت می‌کنند و یکی از دلایل آن، تقدسی است که در شخصیت ایشان به ودیعه نهاده شده است. علاوه بر تقدیس الهی و تأکیدی که بر حفظ حرمت ولی و... از جانب خداوند وارد شده، شخصیت رهبر دینی نیز به گونه ایست که قابل احترام و ستایش از جانب فطرت‌های پاک بوده و حاضر می‌شوند از همه چیز خود حتی جان گران بهایشان در راه او بگذرند. رهبر دینی عصاره همه خوبی‌هاست و دشمن حيله‌گر، همواره در تلاش است تا این قداست و احترام را در دیده مردم از بین برده تا بتواند از قدرت بسیج‌کنندگی او کم کرده و به اهداف شوم خود دست یابد. از جمله اقداماتی که از مصادیق قداست شکنی از رهبر دینی محسوب می‌شود می‌توان به ایراد نسبت ناروا به رهبر، تمسخر و تخفیف رهبر، مراعات نکردن شان و احترام رهبر، مراعات نکردن حرمت خانواده رهبر، عیب‌جویی و طعنه به رهبر و... اشاره نمود که برخی از موارد در ذیل تبیین می‌گردد:

## ۱-۱. ایراد نسبت ناروا به رهبر

یکی از مصادیق قداست شکنی از رهبر دینی، دادن نسبت ناروا به ایشان است کلام وحی در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» (احزاب/۶۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، پس خداوند او را از آنچه (درباره‌اش به افترا) می‌گفتند، تبرئه فرمود و او نزد خداوند آبرومند بود. احتمال می‌رفت که مسلمانان در ماجرای زید و زینب و... پیامبر اکرم (ص) را متهم نمایند که العیاذ باللّٰه نفع خود را در نظر گرفته است، لذا در این آیه از تهمت زدن نهی شده‌اند که این احکام از جانب خداست و ربطی به آن حضرت ندارد (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۸/۴۰۰).

## ۲-۱. تمسخر و تخفیف رهبر

خداوند متعال در آیات زیادی از قرآن کریم به بحث تمسخر و کوچک کردن پیامبران و اولیاء اشاره نموده و می‌فرماید هیچ پیامبری از این مسئله مصون نبوده است «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (حجر/۱۱) همچنین در آیه دیگر به مسئله تمسخر رهبران الهی توسط مردم پرداخته و می‌فرماید: «وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَلَيْسَ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ» (توبه/۶۵)؛ اگر از منافقان بپرسی (چرا مسخره کردید؟) قطعاً می‌گویند: ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم (و غرضی نداشتیم). بگو: آیا خداوند و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟! ۱۱۱

داستان نزول آیه ی فوق را این گونه حکایت نموده‌اند که گروهی از منافقان در جنگ تبوک، پشت سر پیامبر اکرم (ص) سخنانی مسخره‌آمیز می‌گفتند که این مرد گمان می‌کند که قصرهای شام و قلعه‌های آن را فتح می‌کند هیئات هیئات (یعنی این مطلب



بسیار دور است) (امین، بی تا: ۶/ ۶۷). خداوند پیامبرش را از این سخنان آگاه ساخت و پیامبر (ص) به وسیله‌ی عمار از آنان بازخواست کرد، ولی آن‌ها سوگند یاد کردند و گفتند که ما شوخی می‌کردیم؛ (قمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۰۰) یعنی به دروغ می‌گفتند ما برای کوتاه شدن سفر سخنان مختلفی بیان می‌داشتیم و سخن جدی و به قصد تمسخر و استهزاء نداشتیم (شحاته، ۱۴۲۱: ۱۹۰۴).

رهبر دینی دارای قداست و احترام است و باید شئونات وی مورد نظر و احترام قرار بگیرد. از جمله مصادیق حفظ شئونات و قداست رهبر، نوع سخن گفتن و مخاطب قرار دادن او است و خداوند متعال می‌فرماید آن گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید پیامبر را صدا نزنید؛ مثلاً به اسم کوچک صدا نکرده و به جای آن، یا رسول‌الله بگویید «لا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور/۶۳) و یا اینکه صدایتان را بلندتر از صدای نبی خدا نکنید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ...» (حجرات/۲).

از دیگر آیاتی که به مسئله قداست شکنی اشاره می‌نمایند آیه ۱۶ سوره محمد، ۵۸ توبه، ۱۱ نور، ۶۱ بقره و ... است.

## ۲. نافرمانی از رهبر

نافرمانی مردم و مسئولین از رهبر دینی، جزء مهم‌ترین آسیب‌های سیاسی است که در تداوم جنبش‌های دینی رخ می‌دهد و مصادیق زیادی همچون پیمان‌شکنی، نپذیرفتن دعوت، نپذیرفتن قضاوت، تقدم بر رهبر و... را در قرآن کریم، به خود اختصاص می‌دهد که در این مجال به صحنه دل‌خراش لغزش برخی از یاران پیامبر گرامی (ص) در جنگ احد، یعنی نافرمانی در یاری ایشان اشاره می‌گردد: «إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُؤُونَ عَلَيَّ أَحَدٌ وَ

الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ...» (آل عمران/۱۵۳)؛ هنگامی که (در بیابان فرار می کردید و از کوه) بالا می رفتید و به هیچ کس (در پشت سرتان) توجه نمی کردید؛ و حال آن که فرستاده [خدا] شما را از پشت [سر]تان فرا می خواند... .

هنگامی که برخی تیراندازان، شکاف کوه را رها کردند و دشمن از جلو و عقب به سپاه اسلام حمله ور شد، برخی از مسلمانان پا به فرار گذاشتند. آیه ی فوق با ترسیم این صحنه، فراریان از جنگ را سرزنش می نماید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۹۸) که در آن، پیامبر اکرم (ص) در میان دشمنان باقی مانده بود و تنها چند نفر از جمله علی بن ابی طالب (ع) و ابودجانه در اطراف آن حضرت بودند و از او دفاع می کردند (جعفری، ۱۳۷۶: ۲/ ۲۶۷).

آنچه موجبات ناراحتی بیشتر در نافرمانی از پیامبر را فراهم می آورد این جمله است که «وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ» یعنی پیامبر شما را از پشت سرتان صدا می کرد که ای جماعت مؤمنین من رسول خدا هستم (فرار نکنید) (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق: ۱/ ۳۰۷) ولی اعتنا نمی کردید «و لا تلتفتون علی أحد» (حوی، ۱۴۲۴ ق: ۲/ ۹۰۲).

آیات ۱۳ سوره توبه، ۸۴ نساء، ۱۰ فتح، ۸۸ بقره، ۶۱ نساء و ... نیز بر این عنوان، صدق می نمایند.

### ۳. نپذیرفتن جانشین رهبر

پذیرش فرامین و اقدامات جانشین رهبری و تبعیت از آن‌ها، خصوصاً در رابطه با جانشینی که مستقیماً توسط رهبر دینی منصوب شده، در حکم پذیرش فرامین همان رهبر می باشد که در آیات ۹۰ و ۹۱ طه بر نافرمانی بنی اسرائیل از جانشین حضرت موسی (ع) و تقبیح این عمل تأکید شده است:

«وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي \* قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ» (طه/۹۰-۹۱).

آیه شریفه می‌فرماید: و البته هارون (نیز) پیش از آمدن موسی از کوه طور (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق: ۳/۳۹) به آن گوساله پرستان گفته بود که ای قوم من! شما قطعاً به واسطه‌ی آن (گوساله)، مورد آزمایش قرار گرفته‌اید و همانا پروردگار شما خداوند رحمان است (نه گوساله)، پس از من پیروی کنید و دستور مرا اطاعت نمایید (بر دین من باشید و آنچه را می‌گویم پذیرفته و آنچه را نهی می‌کنم ترک کنید). (اما قوم مرتد نافرمانی کرده و به هارون) گفتند: ما همواره بر (گوساله‌پرستی) پایداریم (و از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت) تا موسی به‌سوی ما باز گردد و ببینیم که آیا مانند ما عبادت می‌کند یا خیر؟ و آیا سامری درست گفته یا...؟ (حوی، ۱۴۲۴ ق: ۷/۳۳۸۳) آیه ۱۵۰ اعراف و ... نیز به نافرمانی و تضعیف جانشین رهبری اشاره می‌نماید.

#### ب: آسیب‌های سیاسی در حوزه قوانین نظام دینی

در تعامل با قانون الهی و استنطاق از قرآن کریم، آسیب‌های فراوانی دیده می‌شود که از جمله آنها، به تفسیر نابجا از قانون الهی (التقاط)، پیرایه بستن به قانون الهی (بدعت)، قانون‌گریزی و... اشاره می‌شود:

## ۱. تفسیر نابجا از قانون الهی (التقاط)

التقاط در لغت به معنای برچیدن و برگرفتن چیزی از زمین است؛ و در اصطلاح به معنای دستچین کردن و پیوند دادن عقاید ناهمگون بدون برخورداری از اصول معین و مشخص می‌باشد (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۱۳۰).

از کلماتی که به این مسئله اشاره می‌کنند کلمه لبس است و آیه ۴۲ سوره بقره بدین صورت به آن پرداخته است:

«وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۴۲).

آیه شریفه خطاب به یهودیان می‌فرماید که حق و حقیقت موجود در کتاب تورات را با مطالب باطلی که خودتان اختراع نموده‌اید مخلوط نکنید در حالی که عالمانه این کار را انجام می‌دهید (شحاته، ۱۴۲۱ ق: ۶۲).

حضرت علی (ع) می‌فرماید اگر باطل خالصانه مطرح شود جای نگرانی نیست. (چون مردم آگاه می‌شوند و آن را ترک می‌کنند.) و اگر حق نیز خالصانه مطرح شود، زبان مخالف بسته می‌شود؛ لکن خطر آنجاست که حق و باطل، به هم آمیخته و ممزوج شده و از هر کدام بخشی چنان جلوه داده شود که زمینه‌ی تسلط شیطان بر هوادارانش فراهم شود (سید رضی، ۱۳۸۶: ۷۰).

۱۱۵

## ۲. پیرایه بستن به قانون الهی (بدعت)

دومین آسیب سیاسی در تداوم جنبش‌های دینی و در تعامل با قانون الهی، پیرایه بستن به قانون و یا بدعت است. بدعت در لغت به معنای نوآوری یا اختراع چیزی بدون نمونه پیشین است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱ / ۳۴۲) و در اصطلاح عبارت است از عملی که اصل و پایه‌ای در شریعت نداشته باشد (شاطبی، ۱۴۲۰ ق: ۱ / ۲۳) یا وارد ساختن چیزی که جزء دین به شمار نمی‌رود در دین (عاملی جبعی، ۱۳۷۹: ۱ / ۵۸۱).

انسان‌ها به صورت فطری علاقه‌مند به مذهب و قانون الهی هستند، لذا بسیاری از شیادان، سخنان خود را به نام دین و مذهب به مردم تحویل می‌دهند و بدعت، دین‌سازی، دین‌فروشی و استحمار مردم، از جمله خطراتی است که از ناحیه‌ی دانشمندان فاسد، جامعه و تداوم آن را تهدید می‌کند.

آیه ۷۹ سوره بقره، تنها آیه‌ای است که در آن سه بار کلمه «ویل» بکار رفته و در آن خطر علما و دانشمندان دنیاپرست (خصوصاً دانشمندان یهود) را درباره بدعت‌گذاری مطرح می‌کند: (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۴۶).

«قَوْلٍ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٍ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره/۷۹).

این عذاب بزرگ (ویل) برای کسانی در نظر گرفته شده که مطالبی را با دست خود می‌نویسند که شامل احکام تحریف شده تورات است و می‌گویند این نوشته‌ها از جانب خدا فرستاده شده تا پول اندکی بستانند (شبر، ۱۴۰۷ ق: ۱/ ۱۱۵). وای بر تحریف‌کننده به خاطر تحریف (بدعت) و پولی که به دست آورده و معصیتی که کرده‌اند (شحاته، ۱۴۲۱: ۵۱).

### ۳. گریز از قانون الهی (قانون‌گریزی)

سومین آسیب سیاسی در تداوم جنبش‌های دینی و در تعامل با قانون الهی، قانون‌گریزی و عدم التزام به آن است. در آیه ۲۳ سوره آل عمران به قانون‌گریزی یهودیان اشاره شده است که می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ» (آل عمران/۲۳)؛ آیا ندیدی کسانی را که از کتاب آسمانی

بهره‌ای داده شدند، چون به کتاب الهی دعوت می‌شوند تا میانشان حکم کند، (وبه اختلافات پایان دهد) گروهی از آنان (با علم و آگاهی) از روی اعراض روی بر می‌گردانند؟

منظور از کسانی که نصیبی از کتاب داشتند اخبار یهود است که به اطاعت از قوانین تورات دعوت شدند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۳۴۸) ولی اعراض نمودند. در تفاسیر آمده است که زن و مردی از یهود، با داشتن همسر مرتکب زنا شدند. آنان می‌بایست طبق قانون تورات سنگسار می‌شدند، ولی چون از اشراف بودند سعی بر این داشتند تا از اجرای دستور تورات بگریزند. آنها نزد پیامبر اسلام (ص) آمدند؛ آن حضرت نیز فرمان سنگسار داده و فرمودند: حکم اسلام نیز همانند حکم تورات است (کاشانی، ۱۴۲۳ ق: ۱ / ۴۶۵) و آنها منکر حکم تورات شدند. ابن‌صوریا که از علمای یهود بود، از فدک به مدینه فراخوانده شد تا تورات را بخواند. ابن‌صوریا چون از ماجرا با خبر بود، هنگام خواندن آیات تورات، دستش را روی جملاتی می‌گذاشت تا آیه‌ی سنگسار دیده نشود. عبدالله بن سلام که در آن روز از علمای یهود بود و در آن جلسه حضور داشت، ماجرا را فهمید و موضوع را بر ملا کرد. این آیه هشدار به مسلمانان است که مبادا شما هم مثل یهود، به هنگام اجرای قانون قرآن از دستور الهی رویگردان باشید و میان مردم تبعیض قائل شوید.

### ج: آسیب‌های سیاسی در تعامل با دشمن نظام دینی

در تداوم جنبش‌های دینی و در تعامل مردم با دشمن، آسیب‌های زیادی در استنطاق از قرآن کریم به دست می‌آید که عدم دقت و پیشگیری از آنان، موجب ضربات شدید بر پیکره امت دینی و حتی نابودی اهداف قیام را پدید می‌آورد. در این مجال به برخی از آسیب‌ها، ذیل عنوان عدم مرزبندی با دشمن، عدم آمادگی برای مقابله با دشمن، تسلیم و سازش در مقابل دشمن و... اشاره می‌شود:

#### ۱. عدم مرزبندی با دشمن

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که در تعامل با دشمن به وجود می‌آید عدم مرزبندی است که شامل دوستی و هم‌پیمانی با دشمن، گفتن اسرار به دشمن، بهانه دادن به دست دشمن، نفوذپذیری (سپردن امور دینی و فرهنگی به دشمن)، تبعیت از دشمن، جاسوسی برای دشمن و... می‌شود:

#### ۱-۱. دوستی با دشمن

ارتباط با افراد و گروه‌ها باید بر اساس معیار و مبنا باشد و هر شخص و گروهی، شایستگی محبت و دوستی را ندارند. در آیه ۵۷ سوره مائده به برخی از این معیارها اشاره شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۵۷).

۱۱۸

منظور از اهل کتاب که دین را به سخره می‌گیرند یهود و نصارا و منظور از کفار، مشرکین بت‌پرست است؛ پس معنای آیه این می‌شود که این گروه‌ها هنگامی که دین شما را به سخره گرفتند، آنان را به‌عنوان دوست و یاری کننده خویش قرار ندهید که کاری است غیر عقلایی (نووی، ۱۴۱۷: ۱/۲۷۸).

گفته می‌شود که این آیه درباره دو نفر به نامهای رفاعه بن زید و سويد بن حارث نازل شده که در ظاهر ایمان آوردند و سپس نفاق خویش را ظاهر کردند؛ ولی برخی از مسلمین همچنان با آنان ارتباط و دوستی داشتند (شبر، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۹۰). آیاتی چون ۲۸ آل عمران، ۸۹ نساء و... نیز به این مسئله پرداخته‌اند.

#### ۲-۱. گفتن اسرار به دشمن

برای هر جنبش دینی، اسراری وجود دارد که باید نزد خودی‌ها باقی بماند و نباید آن‌ها را به غیر خودی‌ها یعنی دشمن منتقل نمود؛ خداوند متعال در آیه ۱۱۸ آل عمران می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران/۱۱۸).

«بطانۀ» به لباس زیر گفته می‌شود که به «بطن» و شکم می‌چسبد و کنایه از محرم اسرار بودن است. این آیه ضمن تشبیه لطیفی به مؤمنان هشدار داده است، که غیر از هم مسلکان خود، دوست و همرازی انتخاب نکنند و بیگانگان را از اسرار و رازهای درونی خود با خبر ن سازند (نهادی، ۱۳۸۶: ۲ / ۶۲)؛ کفار در رساندن شر و فساد نسبت به مسلمانان کوتاهی نمی‌کنند و هرگز سوابق دوستی و رفاقت آنها با شما، مانع از آن نیست که (به خاطر جدایی در مذهب و مسلک) آرزوی زحمت و زیان شما را در دل خود پیوراندند «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳ / ۶۴).



## ۲. عدم آمادگی برای مقابله با دشمن

دومین آسیبی که در تعامل با دشمن و در تداوم جنبش‌های دینی ممکن است رخ بنمایاند عدم آمادگی برای مقابله با دشمن است. امام علی (ع) درباره آمادگی در مقابل دشمن به مردم مصر می‌نویسد «وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ» یعنی کسی که اهل مبارزه است بیدار است؛ و در ادامه می‌فرماید: «وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمُ عَنْهُ» یعنی اگر در جبهه جنگ خوابت برد بدین معنا نیست که طرف مقابل هم خوابش برده است (سید رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۶)، پس باید برای پیشگیری و مقابله با دشمن، در آمادگی همیشگی و صد در صد به سر برد.

از مواردی که از مؤلفه‌های عدم آمادگی در مقابل دشمن و آسیب رسیدن به تداوم جنبش دینی محسوب می‌شود، دوقطبی‌سازی و عدم اتحاد در مقابل دشمن، عدم آمادگی نظامی، غرور و غفلت، پرداختن به کارهای فرعی و... است که در این مجال به توضیح دوقطبی‌سازی و عدم اتحاد در مقابل دشمن پرداخته می‌شود:

برای مقابله با دشمن، باید از اتحاد ملی کمال بهره را برد و از دوقطبی‌سازی و دسته دسته شدن مردم و گروه‌ها پرهیز نمود که موجبات سستی جامعه را فراهم می‌آورد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران/۱۲۲)؛ آنگاه که دو گروه از شما بر آن شدند که (در جنگ) سستی کنند، اما خداوند ولی آنان بود (و به آنان کمک کرد که از این فکر باز گردند)، پس مؤمنان تنها به خدا توکل کنند.

دو گروه از مسلمانان به نام‌های «بنوسلمه» از قبیله‌ی اوس و «بنوحارثه» از قبیله‌ی خزرج، تصمیم گرفتند که از شرکت در جنگ احد و همراهی مسلمانان خودداری کنند (سبزواری، ۱۴۱۹ ق: ۷۱) و برای کارشان دلایل متعددی را بر می‌شمردند؛ ماجرا از این

قرار است که پس از مشورت خواستن رسول خدا در رابطه با چگونگی جنگ، بسیاری از انصار و عبدالله ابی گفتند باید در مدینه با دشمن مواجه شویم و گروهی دیگر گفتند در خارج شهر به استقبالشان برویم. در نهایت امر، پیامبر اکرم (ص) نظر گروه دوم را پذیرفتند و این امر موجب شد که این دو طایفه ساز جدایی کوک کرده و بخواهند از جنگ امتناع نمایند. وحدت شکنی و دو قطبی سازی آنان در نزدیکی کوه احد به اوج رسید و با تحریک عبدالله ابی حدود سیصد نفر از سپاه نهصد و پنجاه نفری پیامبر عزم بازگشت کردند و تلاش می نمودند که این دو قبیله را هم برگردانند که خدا به دادشان رسید و در همراهی پیامبر ثابت قدم ماندند (نوی، ۱۴۱۷: ۱ / ۱۵۰)، در رابطه با این موضوع می توان به آیه ۴۷ توبه نیز مراجعه نمود.

### ۳. تسلیم و سازش در مقابل دشمن

تسلیم و سازش با دشمن جزء بزرگ ترین آسیب هایی است که در مسیر تداوم جنبش های دینی دیده می شود. خداوند متعال در آیه ۳۵ سوره محمد از سازش و تسلیم در مقابل دشمن پرهیز داده و می فرماید:

«فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ»

(محمد/۳۵)؛ پس سستی نورزید تا به سازش دعوت کنید، با اینکه شما برترید (غالب هستید) (کاشانی، ۱۴۲۳: ۶ / ۳۶۵) و خداوند با شماست و هرگز چیزی از (پاداش) اعمالتان را کم نمی کند.

این آیه در ترغیب مسلمانان به جهاد با کفار نازل شده و از سستی کردن و دعوت به صلح منع می نماید؛ حال سؤال اینجاست که قرآن در یک جا می فرماید: «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال/۶۱) (اگر دشمن آغوش خود را برای صلح باز کرد، شما نیز بال

خود را بگشایید و پیشنهاد صلح را بپذیرید)، اما این آیه از صلح انتقاد کرده و می‌فرماید:

«فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ» پس تکلیف چیست و باید به کدام آیه عمل کرد؟

پاسخ این است که هر آیه، نظر به جنبه‌ای خاص دارد، سازش بر اساس ترس و سستی و رعب زدگی ناپسند است (مراغی، بی‌تا: ۲۶، ۷۶) (دعوت به صلح با کسی که تهدید به جنگ می‌کند نشان دادن ضعف و ناتوانی است) (اشکوری، ۱۳۷۳: ۴ / ۱۸۰)، زیرا آرزو و علاقه دشمنان همین است، «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فُيْدُھُنُونَ» (قلم/۹) اما مدارا که از موضع قدرت و ترحم بر ضعیف است، پسندیده می‌باشد. چنانکه آهسته رفتن گاهی بر اساس ضعف جسمی است و گاهی برای همراهی با کودکان و سالمندان که توان تند رفتن ندارند. اسلام می‌فرماید: شما از نظر روحیه، قدرت و امکانات باید در مرحله عالی باشید و در آن حال اگر دشمن تقاضای صلح کرد بپذیرید (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹ / ۱۰۲).

#### د: آسیب‌های سیاسی در تعامل با یکدیگر

پس از بیان آسیب‌های سیاسی تداوم جنبش‌های دینی در تعامل با رهبر، قانون و دشمن، به بیان آسیب‌های سیاسی در تعامل با یکدیگر رسیده‌ایم. در این حوزه، با استنطاق از قرآن کریم به آسیب‌های فراوانی برخورد می‌نماییم که از مهم‌ترین آن‌ها ظلم و بی‌عدالتی، بی‌تفاوتی در امر به معروف، دوری از تعاون و همکاری، خودبرتربینی، بی‌بند و باری و رواج فحشا و همچنین روابط اقتصادی نامشروع است که در این مجال به توضیح برخی پرداخته می‌شود:

## ۱. بی تفاوتی (عدم امر به معروف)

در تعامل انسان‌ها با یکدیگر باید نوعی نظارت همگانی وجود داشته باشد و شامل مسئولین و متولیان حکومتی نیز بشود که در قرآن و احادیث، تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده است. امر به معروف و نهی از منکر یک تکلیف مهم و حیاتی است که اصلاح جامعه و رسیدن به تکامل اجتماعی را در پی دارد و در برخی روایات به عنوان مهم‌ترین واجب دینی معرفی شده؛ به طوری که علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: تمام کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور (قطره‌ای در برابر دریا) (سید رضی، ۱۳۸۶: ۵۱۴).

بی تفاوتی نسبت به نظارت همگانی، علاوه بر آسیب‌های فردی، آسیب‌های اجتماعی فراوانی همچون تسلط افراد ناصالح بر مصدر امور، ایجاد یاس و ناامیدی، شدت یافتن اختلاف و تفرقه و ... را به همراه دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۲۵۱). قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی مائده، بر لزوم جلوگیری از منکرات و همچنین کوتاهی کردن بنی‌اسرائیل در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده/۷۹).

توضیح آیه اینکه، نهی از منکر در ادیان سابق نیز وجود داشته و هر کس آن را ترک می‌نمود مورد سرزنش قرار می‌گرفت؛ ضمناً از تعبیر «یکدیگر را منع نمی‌کردند» استفاده می‌شود که نهی از منکر یک وظیفه‌ی متقابل اجتماعی است (چون باب تفاعل در مورد کارهایی به کار می‌رود که هر دو طرف موظفند انجام دهند) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۵ / ۱۹۳).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «این دسته از بنی اسرائیل که خداوند از آنها در این آیه مذمت کرده است، کسانی بودند که در جلسات گناه وارد نمی‌شدند، لیکن در برخورد با گنهکاران با لبخند و انس برخورد می‌کردند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۵/۵۲۲).

## ۲. بی‌بند و باری و رواج فحشا

از مهم‌ترین آسیب‌هایی که در تعامل انسان‌ها با یکدیگر و در تداوم جنبش‌های دینی، ممکن است به وقوع بپیوندد، بی‌بند و باری و رواج فحشا است که چنانچه علاج نشود، اصل و ماهیت جنبش را به مخاطره می‌اندازد. بی‌بند و باری گاهی اوقات از سر غفلت و نادانی و در منزل بوده که در بسیاری از موارد با فعالیت فرهنگی و کار اقماعی علاج می‌شود و گاهی اوقات توسط دشمنان و منافقان داخلی و به صورت سازمان یافته، در اجتماع ترویج می‌شود که باید با برخورد قاطع حکومت مواجه گردد. خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نور به تقبیح ترویج فحشا پرداخته و می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور/۱۹)؛ در حقیقت کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان کسانی که ایمان آوردند، گسترشی آشکار یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

این آیه یک تهدید عمومی و حاکی از این است که نه‌تنها اشاعه فحشاء سبب عذاب است بلکه حتی دوست داشتن و خواستن آن نیز سبب عذاب است.

منظور از فاحشه، مطلق فحشاء (نظیر زنا و لواط) است، ولی از روایات فهمیده می‌شود که مطلق کارهای ناپسند را شامل می‌شود؛ غرض از عذاب دنیا نیز در نزد برخی مفسرین، اجرای حدود است، (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۱۸/۸۰) ولی برخی دیگر، آن را اجرای

حدود (حد قذف و حد زنا) نمی‌دانند، زیرا دوست داشتن اشاعه فحشاء سبب حد نمی‌شود، وانگهی به شخص قذف کننده حد زده می‌شود خواه به فکر اشاعه فحشاء باشد یا نباشد (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۷/ ۱۹۷).

در شان نزول آیه به ترویج فحشا و نسبت دادن گناه... به همسر پیامبر، توسط عبدالله ابی سلول و اصحاب منافقش اشاره شده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ق: ۱۴/ ۱۱۲).

### ۳. روابط اقتصادی نامشروع

از دیگر آسیب‌هایی که در تعامل انسان‌ها با یکدیگر و در تداوم جنبش‌های دینی، ممکن است به وقوع بپیوندد روابط اقتصادی نامشروع است؛ اگر فساد مالی در میان طبقه حاکم جامعه مانند کارگزاران دولتی و قاضیان و والیان شایع شود، موجبات فساد عمومی و تباهی فراگیر را فراهم می‌آورد. برای حفظ سلامت جامعه از فساد مالی، قرآن کریم دستور می‌دهد که:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۸۸).

در این آیه، نخست به صورت کلی از فساد مالی نهی می‌کند زیرا اکل مال به باطل شامل تمام اموالی است که بطور نامشروع به دست می‌آید چه از طریق ربا و چه از طریق معاملات باطل و چه از طریق غصب و چه از طریق قمار و یا راه‌های دیگر؛ ولی در میان اینها یک مورد را بخصوص نام می‌برد و آن رشوه‌خواری است که بلای خانمان‌سوز در اجتماع بشری است و در هر جامعه‌ای ریشه بدواند، بدبختی بزرگی را دامن‌گیر آن جامعه می‌سازد (جعفری، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۷۵) رشوه‌خواری مانع بزرگ اجرای

عدالت اجتماعی است و در اسلام (و تمام ادیان الهی) شدیداً سرزنش و محکوم شده و یکی از گناهان بزرگ به شمار آمده است.

حکایت شده که به پیامبر اسلام (ص) و آله خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است. حضرت او را باز خواست کردند که «چرا آنچه حق تو نیست می‌گیری؟» آن شخص عذر آورد که هدیه گرفته‌ام. و حضرت فرمودند: «اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من، فرمان‌دار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه می‌دهند؟» سپس دستور داد هدیه را از او گرفتند و در بیت‌المال قرار دادند و آن شخص را از کار برکنار کرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۲۱).

### نتیجه

پژوهش حاضر آسیب‌های سیاسی در حوزه رهبر جامعه دینی، در حوزه قوانین نظام دینی و در تعامل با دشمن نظام دینی و تعامل با یکدیگر را با استنتاج از قرآن کریم مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نتیجه گرفته است که در تعامل با رهبر دینی آسیب‌های چون قداست شکنی، عدم استقامت، نافرمانی، نپذیرفتن جانشین رهبری و ... وجود دارد در تعامل با قانون الهی هم، آسیب‌هایی چون تفسیر نابجا از قانون (التقاط)، پیرایه بستن به قانون (بدعت) و گریز از قانون الهی (قانون‌گریزی) هست، همچنین در حوزه تعامل با دشمن، آسیب‌های سیاسی چون عدم مرزبندی، عدم آمادگی برای مقابله و تسلیم و سازش در مقابل دشمن وجود دارد و نیز در تعامل با یکدیگر هم به آسیب‌های فراوانی چون بی‌تفاوتی (عدم امر به معروف)، بی‌بند و باری و رواج فحشا و روابط اقتصادی نامشروع و ... می‌توان اشاره نمود که باید مورد توجه قرار گرفته و برای رفع آن راه حل مناسب یافت شود. برآیند و راه‌آوردهای پژوهش حکایت از آن دارد که اگر شناسایی آسیب‌سیاسی در حوزه رهبر جامعه، در حوزه قوانین نظام دینی و در حوزه تعامل با دشمن نظام دینی و تعامل با یکدیگر به خوبی صورت گیرد و اقدامات لازم در جهت جلوگیری و علاج آسیب‌ها اتخاذ گردد، بسیاری از آسیب‌هایی که در تداوم یک جنبش دینی ممکن است به وقوع بپیوندد مرتفع گردیده و مصونیت نسبی حاصل می‌گردد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، نشر آوای قرآن کریم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر بکاء، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- (۱) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- (۲) ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- (۳) اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- (۴) آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چاول، ۱۳۸۷ ش.
- (۵) امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا، چاپ اول، بی تا.
- (۶) جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، موسسه انتشارات هجرت، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- (۷) جمعی از نویسندگان، راه نجات، نشر زمزم هدایت، پژوهشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
- (۸) حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دار، قاهره، چاپ ششم، ۱۴۲۴ ق.
- (۹) رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- (۱۰) زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
- (۱۱) سبزواری، محمد، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه. ق.
- (۱۲) شاطبی، ابراهیم بن موسی، الاعتصام، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۲۰ ق.



- (۱۳) شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، شركة مكتبة الالفین، كویت، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- (۱۴) شحاته، عبدالله محمود، تفسیر القرآن الکریم (عبدالله شحاته)، دار غریب، قاهره، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- (۱۵) شهید صدر، سید محمد باقر، المدرسه القرآنیه، قم، مرکز الایحاث والدراسات التخصیصیه للشهید صدر، ۱۴۲۱ ق.
- (۱۶) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- (۱۷) طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- (۱۸) عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، نشر غزال، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹ ش.
- (۱۹) عاملی جیبی، علی بن احمد، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، تهران، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- (۲۰) عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- (۲۱) فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- (۲۲) قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- (۲۳) قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- (۲۴) قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، دار الکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.

- (۲۵) کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، زبده التفاسیر، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۳ ق.
- (۲۶) کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- (۲۷) مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، بی‌تا.
- (۲۸) معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم، التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- (۲۹) مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
- (۳۰) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.
- (۳۱) موسوی الخمینی، روح‌الله، صحیفه نور، نرم افزار مجموعه آثار
- (۳۲) موسوی الخمینی، روح‌الله، ولایت فقیه، نرم افزار مجموعه آثار
- (۳۳) نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- (۳۴) نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، مؤسسه امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
- (۳۵) نووی، محمد، مراح لیبید لکشف معنی القرآن المجید، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.